

شیوه زندگی و سلوک دینی امام رضا(ع)

پیامبر اکرم(ص) یکی از مهم‌ترین دلایل برانگیختگی خود را به کمال رساندن «مکارم اخلاق» دانسته است. نگاهی هرچند گذرا به قرآن و سنت پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) این نکته را به خوبی آشکار می‌سازد که این بزرگواران پیش از راهبری مردم به خیر و صلاح، نخست خود را به خصال نیکو می‌آراستند و از این حیث الگویی عملی و راستین از خیر و نیکی به آنها ارائه می‌دادند.

شیوه زندگی و سلوک دینی امام رضا(ع)

تاریخ چون به تو می‌رسد طواف می‌کند

دکتر مرضیه محمدزاده: پیامبر اکرم(ص) یکی از مهم‌ترین دلایل برانگیختگی خود را به کمال رساندن «مکارم اخلاق» دانسته است. نگاهی هرچند گذرا به قرآن و سنت پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) این نکته را به خوبی آشکار می‌سازد که این بزرگواران پیش از راهبری مردم به خیر و صلاح، نخست خود را به خصال نیکو می‌آراستند و از این حیث الگویی عملی و راستین از خیر و نیکی به آنها ارائه می‌دادند.

امام رضا(ع) نیز به دلیل اتصال به خاندان وحی و نبوت، چونان پدران و نیاکان خویش، همت خود را بر تخلق به اخلاق الهی قرار داده بود و از این رو، الگویی بی‌نظیر و زنده برای مردمان هم‌عصرش و همه دوران‌ها به یادگار نهاد. پژوهش و بررسی در سیره این امام همام از این واقعیت پرده برمی‌دارد که تنها پرورده شدن در دامان خاندان وحی است که می‌تواند، چنین قابلیت‌ها را به انسان عطا کند.

مطلبی که از پی می‌آید، نگاهی است کوتاه و گذرا بر سیره اخلاقی و عملی رضای اهل بیت(ع).

امامان شیعه در زمان خویش به عنوان مهم‌ترین شخصیت علمی، فقهی، دینی و سیاسی در برطرف کردن مشکلات و مصائب جامعه اسلامی تلاش‌های فراوان کردند. سلوک دینی، منش شخصی، شیوه زندگی و شخصیت سیاسی امام رضا(ع) نیز مانند دیگر امامان ویژگی‌های منحصربه‌فردی داشت. به عبارت دیگر، زندگی و شخصیت امامان شیعه دو جنبه ارزشی متمایز و مرتبط با هم دارد: اول: شخصیت عملی و علمی و اخلاقی و اجتماعی آنان که در طول زندگی ایشان در منظر همگان شکل گرفته است و فهم و ادراک آن نیاز به پیش‌زمینه‌های اعتقادی و مذهبی خاص ندارد، بلکه هر بیننده فهیم و دارای شعور و انصاف می‌تواند، ارزش‌ها و امتیازهای آنان را دریابد و بشناسد. دوم: شخصیت معنوی و الهی آنان که ریشه در عنایت ویژه خداوند نسبت به ایشان دارد. شناخت این بعد از شخصیت اهل بیت نیاز به معرفت‌های پیشین دارد؛ یعنی نخست باید به رسالت پیامبر اسلام(ص) ایمان داشت و براساس رهنمودهای آن حضرت، ولایت عترت را پذیرفت و برای شناخت جایگاه عترت به روایات و راویان معتبر اعتماد کرد.

شخصیت ملکوتی و مقام شامخ علمی و زهد و اخلاق امام رضا(ع) و اعتقاد شیعیان به او سبب شد که نه تنها در مدینه، بلکه در سراسر دنیای اسلام به عنوان بزرگ‌ترین و محبوب‌ترین فرد خاندان پیامبر اکرم(ص) مورد قبول عامه باشد و مسلمانان او را بزرگ‌ترین پیشوای دین بشناسند و نامش را با صلوات و تقدیس ببرند. او سرور و بزرگ بنی‌هاشم و گرامی‌ترین و شریف‌ترین آنها بود و به گفته ذهبی(م 748ق) مورخ اهل سنت، امام چنان منزلت و موقعیتی داشت که شایسته مقام خلافت بود. (1) باوجوداین، چنانکه امام رضا(ع) خود می‌فرمود هیچ‌گاه در اندیشه به‌دست گرفتن خلافت نبود و آنچه برای آن حضرت اهمیت و اولویت داشت روشنگری در مسائل دینی و تلاش برای آگاهی و بیداری آنان و رسیدگی به حوائج مردم بود. (2)

روش زندگی امام رضا(ع) و رفتارش با مردم

امام رضا(ع) به اخلاق عالی و ممتاز آراسته بود و بدین سبب دوستی عام و خاص را به خود جلب فرموده بود. او شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم(ص) بود. (3) رفتاری پیامبرگونه داشت و حلم و رأفت و احسانش شامل خاص و عام می‌شد.

کسی را با عمل و سخن خود نمی‌آزرد، تا حرف مخاطب تمام نمی‌شد، سخنش را قطع نمی‌کرد. هیچ حاجتمندی را مأیوس باز نمی‌گرداند. در حضور میهمان به پستی تکیه نمی‌داد. پیش روی کسی پای خود را دراز نمی‌کرد. هرگز به غلامانش دشنام نداد و با آنان می‌نشست و غذا می‌خورد.

شب‌ها کم می‌خوابید و قرآن می‌خواند، بیشتر اوقات از اول شب تا صبح شب‌زنده‌داری می‌کرد. هر سه روز یک‌بار قرآن را ختم و در آیات آن تفکر می‌کرد، کسی عالم‌تر و پرهیزکارتر از او نبود و در همه وقت ذکر خدا می‌گفت. بسیار روزه می‌گرفت. هر ماه 3 روز حتما روزه بود. در نهان به ویژه شب‌های تاریک، بسیار به مردم احسان می‌کرد و صدقه می‌داد. کسی که از او تقاضایی داشت، اگر می‌توانست بی‌درنگ آن را برمی‌آورد تا مبدا از آن بی‌نیاز گردد و فرصت از دست برود. با مردم به نرمی سخن می‌گفت. هیچ‌گاه با سخنش کسی را نمی‌آزارد.

امام(ع) در تابستان روی حصیر و در زمستان روی پلاسی می‌نشست. نظافت را در هر حال رعایت می‌کرد و عطر و بخور بسیار به کار می‌برد. عادتاً جامه ارزان و خشن می‌پوشید ولی در مجالس و ملاقات‌ها و پذیرایی‌ها لباس فاخر بر تن می‌کرد. غذا را آهسته و اندک می‌خورد و سفره‌اش رنگین نبود. قبل از غذا دست‌ها را می‌شست.

چون صبح اول وقت نماز می‌گزارد تا بر آمدن آفتاب در سجده می‌ماند. سپس با مردم می‌نشست و سخن می‌گفت، یا سوار می‌شد و بیرون می‌رفت. در هر فرصت مقتضی مردم مسلمان را به وظایف خود آگاه می‌کرد. برای خنثی کردن توطئه‌های مأمون و اطرافیان او مراقبتی هوشیارانه داشت.(4)

به طور کلی او دارای شخصیتی یگانه و صفاتی ویژه بود و از نظر شیعه امامیه آن حضرت دارای ملکه عصمت که از لوازم امامت است، بود.

یاسر خادم گوید: امام‌رضا(ع) حتی در برخورد با غلامان و خادمان خود هرگز حاضر نبود که کرامت انسانی آنان را نادیده بگیرد و چیزی از حقوق آنان فرو گذارد. امام به خادمان خود می‌گفت اگر که مشغول خوردن طعام هستید و مرا بالای سر خود ایستاده دیدید مبادا از جای خود برخیزید مگر آنکه از خوردن فارغ شده باشید. گاهی امام خادمش را صدا می‌زد به او می‌گفتند مشغول خوردن غذاست. امام می‌فرمود بگذارید غذایش تمام شود.(5)

زهد و پرهیزکاری

در روزگار امام‌رضا(ع) تعالیم صوفیه در خراسان و دیگر ایالات رواج یافته و جمعی از مشایخ همچون شقیق بلخی(م194ق) شاگرد ابراهیم ادهم، مریدانی را در حلقه صحبت خود می‌پرورد و با مفاهیمی همچون زهد، پرهیز از دنیا، قناعت و زندگی سخت آشنا می‌ساخت. هنگام حضور امام در خراسان، گروهی از صوفیه نزد آن حضرت رفتند و گفتند انتخاب ایشان به عنوان فردی از اهل بیت به ولایت امر و امامت امت از سوی مأمون انتخابی شایسته بوده است؛ زیرا امت نیازمند کسی است که غذای ناگوار بخورد، لباس درشت بپوشد، الاغ سوار شود و به عیادت مریض برود. اما امام که زهد را در این ظواهر نمی‌دید، فرمود: یوسف پیامبر قبابی دیبای زربافت می‌پوشید و بر اریکه فرعونی تکیه می‌کرد و فرمان می‌راند. خواسته واقعی از امام و رهبر، قسط و عدل است و اینکه در گفتار صادق و در حکومت دادگر باشد و چون وعده‌ای کند، وفا نماید. راستی که خدای تعالی لباس و خوراکی را حرام نکرده است.

آنگاه امام آیه 32 سوره اعراف را تلاوت فرمود که: ای پیامبر بگو زیورهایی را که خداوند برای بندگان پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است.(6) گفته شده است معروف کرخی(م200ق) از مشاهیر صوفیه از موالی امام‌رضا(ع) بود و به دعوت آن حضرت از آیین مسیحی به دین اسلام گروید و پس از آن پیوسته در خدمت آن حضرت بود.(7)

امام(ع) به رفتار یاران و غلامانش توجه داشت و در اصلاح خطاهای آنان می‌کوشید. روزی غلامش میوه‌ای را نیم‌خورده به دور انداخت. امام فرمود: سبحان‌الله! اگر شما از این میوه بی‌نیاز هستی چه بسا افرادی که به آن نیازمندند. آن را به نیازمندان بدهید.(8)

امام‌رضا(ع) دنیای فریبنده و پرتجمل را به چیزی نمی‌گرفت. هنگامی که در خراسان بود، در روز عرفه همه مال خود را در میان مردم قسمت کرد. چون فضل بن سهل گفت، این زیانکاری است، امام فرمود: بلکه عین غنیمت است.(9) امام‌رضا(ع) پیوسته یاد آخرت را در دل خویش زنده می‌داشت. چون از امام پرسیدند: چگونه صبح کردی؟ فرمود: با عمر کاسته و کردار ثبت شده و مرگ بر گردن ما و دوزخ دنبال ما است و ندانیم با ما چه شود.(10)

امام‌رضا(ع) میهمان را به کار و انمی‌داشت و به علاوه به بهترین گونه در احترام او می‌کوشید. یک‌بار برای آوردن احمد بن محمد بن زنتی، از یاران خاص خود مرکب خویش را فرستاد. چون بن زنتی آمد، تا پاسی از شب را با امام گذراند و از امام پرسش می‌کرد و امام جواب می‌گفت. سپس هنگام خواب، امام فرمود تا رختخواب خویش را برایش پهن کردند. امام که احساس کرد بن زنتی گمان‌هایی در سر می‌پرورد، به وی فرمود که مبادا این کارها را مایه فخر و مباهات خود قرار دهی؛ برای خدا تواضع کن تا خدا مقامت را بلند گرداند.(11)

علم و دانش

امام‌رضا(ع) دانش خود را از جد بزرگوارش پیامبر اکرم(ص) به ارث برده بود. او سرچشمه جوشانی از علم و فضیلت بود. بر همه علوم و دانش‌ها احاطه کامل داشت و مورخان و راویان در این موضوع متفق‌القولند که او دانشمندترین مردم زمان خویش و داناتر و شایسته‌تر از همه آنان در فرایض دین و دیگر علوم بود. تاریخ، بسیاری از مناظرات علمی و مباحثات فکری آن حضرت را که موجب

پیروزی بر دشمنان اسلام شده برای ما بیان کرده است.

از امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده که به فرزندان خود می‌فرمود: این برادران علی، عالم آل محمد است. مسائل دین خود را از او بپرسید و آنچه را به شما گوید نگه دارید.

بیست و چند سال بیش نداشت که در مسجدالنبی می‌نشست و فتوا می‌داد. خود می‌فرماید: من در روضه پیامبر خدا می‌نشستم و دانشمندان مدینه چون در مسئله‌ای ناتوان می‌شدند نزد من می‌آمدند و مسائل را از من می‌پرسیدند و پاسخ می‌شنیدند. (12)

امام رضا (ع) دارای حضور ذهن، سرعت انتقال، قوت استدلال و روایی و شیوایی کلام بود. مباحثات آن حضرت با رؤسای ادیان و دانشمندان و زندیقان که آنان را با دلایل روشن و براهین قاطع محکوم و مغلوب می‌فرمود، دلیل آشکاری بر درجه حضور ذهن و سرعت انتقال آن حضرت است.

دعا و عبادت

یکی از برجسته‌ترین فضایل امام رضا (ع) سرسپردگی او به خداوند بود. این فضیلت را می‌توان به وضوح در اعمال عبادی او که بر پایه خوف الهی و دینداری قرار داشت، در زندگی آن بزرگوار مشاهده کرد: سجده‌های طولانی، نمازهای زیاد، روزه‌های مکرر، شب‌زنده‌داری‌های پررمز و راز و همدمی همیشگی با قرآن. رجاء بن ابی‌ضحاک گوید: به خدا سوگند مردی را ندیدم که بیش از او از خداوند پروا کند، به یاد خدا باشد و از خداوند بترسد. (13)

یکی از مظاهر زندگی آن حضرت این بود که در مناجات با خداوند از دعا به مثابه یک حربه استفاده می‌کرد. حضرت به اصحاب خود نیز می‌فرمود: بر شما باد به اسلحه پیامبران که همانا دعا است و دعا بلای نازل شده و نازل نشده را دفع می‌کند. (14)

جود و احسان

جود و احسان امام رضا (ع) از منشأ ایمان و مبدأ خیر بر مبنای فضل و کرم خداوند درباره وی سرچشمه می‌گیرد. برای آن حضرت هیچ عملی دوست داشتنی‌تر از مهربانی کردن به مردم و به خصوص به فقرا نبود. مورخین نمونه‌های بسیاری از سخاوت و بخشندگی آن حضرت را ذکر کرده‌اند: امام در نامه‌ای برای فرزندش امام جواد (ع) نوشت: به من خبر رسیده که هنگامی که سوار می‌شوی غلامان تو را از باب صغیر بیرون می‌برند. این از بخل آنان است تا خیری از تو به کسی نرسد، به حقی که بر تو دارم از تو می‌خواهم ورود و خروج از باب کبیر باشد و با خود دینار و درهم بردار تا هرکس از تو چیزی را طلب کند به او بدهی. پس بسیار بخشش کن. (15)

زمانی که صدقه می‌داد صورت خود را می‌پوشاند. سلیمان جعفری علت را از امام پرسید. امام فرمود: چون نیاز نیازمندی را برآورم نمی‌خواهم ذلت خواهش را در چهره او ببینم تا عزت نفسش همچنان پایدار باشد. (16)

یعقوب بن اسحاق نوبختی گوید: مردی به امام رضا (ع) عرض کرد به اندازه جوانمردی خود به من عطا کن. امام (ع) فرمود: نمی‌توانم. مرد عرض کرد به اندازه جوانمردی من عطا کن. امام فرمود: دویست دینار به او بدهید. (17) همین امام در روز عرفه همه دارایی خود را بخشید و فرمود چیزی را که با آن پاداش و بخشایش خداوند را می‌خرید، زیان به‌شمار نیاورید.

صبر و شکیبایی

استقامت امام رضا (ع) در موقعیت‌های سخت و دشواری که باعث برانگیختن بحران‌های نفسانی و عاطفی است برای ما آشکار می‌سازد. آن حضرت در زمان خلافت هارون عباسی در برابر انواع ستم‌ها و سختی‌ها مانند حبس طولانی پدر بزرگوارش، شکنجه‌ها و عذاب‌هایی که بر علویان وارد می‌شد و مصائب دیگر، صبور بود. شکیبایی و بردباری‌اش در زمان خلافت مأمون عباسی و سیاست مرموز او نیز درجه صبر و تحمل آن حضرت را نشان می‌دهد.

قیام‌های سیاسی و آشفته‌گی اوضاع اجتماعی در دهه‌های پایانی سده دوم هجری که برای براندازی حکومت عباسی صورت گرفت و سرانجام مرگ مشکوک هارون عباسی در خراسان و درگیری سخت نظامی میان امین و مأمون و بروز مسائل تازه در مکه و مدینه و عراق و قیام‌های علویان و برخی از سادات حسنی همچون ابن طباطبا و دامن زدن به اختلاف میان سادات حسنی و حسینی و تعویض پرده کعبه و تغییر رنگ آن از سیاه به زرد طلایی و در این میان اجبار امام رضا (ع) - در نهایت ناخشنودی آن بزرگوار - به خراسان و قبول ولایت‌عهدی که به نوشته ابوالفضل بیهقی در تاریخ خود 171#& رضا را سخت کراهیت آمد که دانست آن کار پیش نرود امام هم تن در داد. از آنکه از حکم مأمون چاره نداشت. (18) درجه صبر و شکیبایی آن حضرت را نشان می‌دهد.

امام رضا(ع) به امر تربیت، تهذیب نفوس، ارشاد و نصیحت، مراقبت دقیق بر اعمال و رفتار توجه خاص داشت. اگر غلامش اسراف می‌کرد، فوراً گوشزد می‌کرد و او را از اسراف کردن باز می‌داشت. چنان که به غلام خود که سیبی را گاز زده انداخت، فرمود این کار اسراف است.

حضرت عبدالعظیم حسنی گوید: امام علی بن موسی(ع) به من فرمود به دوستانم سلام مرا برسان و بگو راه نفوذی برای شیطان بر خودشان قرار ندهند. دوستانم را به سکوت و ترک مجادله دعوت کن و به آنان بگو به دیدار یکدیگر بشتابند زیرا این کار وسیله تقرب به من است.

امام رضا(ع) به خانواده اهمیت زیاد می‌داد و می‌فرمود: کسی که در طلب روزی می‌کوشد و فضل خداوند را می‌جوید تا مخارج اهل و عیال خود را کفایت کند، اجرت و پاداش او از مجاهد راه خدا بیشتر است و می‌فرمود: بنده مؤمن سودی به چنگ نمی‌آورد که از همسر شایسته بهتر باشد. همسری که چون شویب به خانه آید مایه مسرت او باشد و در مورد مردان می‌فرمود: سزاوار نیست که مردان بوی خوش را از خود دور کنند زیرا پاکیزگی و تمیزی و بوی خوش به زندگی پابرجا و مستحکم کمک می‌کند؛(19) و بالاخره امام رضا(ع) در زندگی فردی و اجتماعی خود خلق والای پیامبر اکرم(ص) را حکایت می‌کرد:

یمثل النبی فی اخلاقه

فانه النابت من اعراقه

در اخلاق او، پیامبر اکرم(ص) جلوه‌گر می‌شود، چرا که او برخاسته از ریشه‌های نبوی است.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 9، ص 392 .
- 2- ابن بابویه(شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 177.
- 3- طبری، بشاره المصطفی لشیهه المرتضی، ص 134.
- 4- ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 147 و 192-198.
- 5- مجلسی، بحار الانوار، ج 49 ص 2-10.
- 6- آبی، نثر الدر، ج 1، ص 364-365.
- 7- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 362-361.
- 8- کلینی، الکافی، ج 6، ص 297.
- 9- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 361.
- 10- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 470.
- 11- طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص 588-587.
- 12- اربلی، کشف الغمه، ج 3، ص 107.
- 13- مجلسی، بحار الانوار، ج 49، ص 93.
- 14- کلینی، الکافی، ج 4، ص 214، 216.
- 15- ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 247.
- 16- کلینی، الکافی، ج 4، ص 24.
- 17- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 260.
- 18- بیهقی، تاریخ بیهقی، ص 157.
- 19- ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 212.

در همین زمینه: